

مقدمه

سیاست کیفری از قدیم الایام، بر پایه سرکوبی مجرم قرار داشته و جز اجرای کیفر سخت در پی هدفی دیگر نبوده است. نقش سیاست کیفری فقط تحمیل مجازات بوده است و حتی در زمان حال هم اغلب قوانین، افراد مخل و ناقص قانون را به اعمال مجازات های سنگین و سخت تهدید می کنند.

البته گرایش سیاست کیفری در سال های اخیر چرخشی، پیشگیرانه و بیشتر بعد اصلاح و سازندگی داشته و به مجازات رساندن کمتر مورد نظر بوده است. این سیاست در عین حال که باید شامل اقدامات پیشگیرانه باشد تا بتواند بطور مؤثر بر محیط اجتماعی و فرد تأثیر بگذارد باید مجموعی از اقدامات مجازاتی و تربیتی را که خیلی غنی تر از مجازات های کهنه و اقدامات تأمینی متروک است در برگیرد.

اقدامات تأمینی عصر فعلی از سیاست های صحیحی است که امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته به آنها توجه شده است؛ چرا که امروزه سیاست جنایی در پی اصلاح مجرم است تا سرکوب وی. جرم شناسان با کیفرهای سنگین و تشدید مجازات به کلی مخالف اند و هر سیاست کیفری را که این روش را در پیش گیرد، محکوم به شکست می دانند. هنگامی که جامعه ای به علل و عوامل جرم آلوده باشد؛ اینکه مرتکب جرم نشوند و به اعمال ضد اجتماعی دست نزنند، جای تعجب دارد.

معایب تشدید مجازات

برخی از مهمترین مشکلات و عواقب سوء تشدید مجازات بعنوان یکی از راه های مبارزه با جرم عبارتند از : تشدید مجازات موجب افزایش گذشت ضابطان امور و قضاوت می شود؛ چون یک قاضی هم دارای روح، احساسات و عاطفه است و نمی تواند بطور روزمره حکم به محکومیت های سنگین را صادر کند.

کینه و عداوت در نهاد و ضمیر افراد را افزایش می دهد که باعث ارتکاب جرم های سنگین تر و حتی دهشت بارتر می شود.

تشدید مجازات کورکورانه موجب می شود که عده ای نسبت به قوانین بی اعتنا شوند. تحقیق در مورد بزهکاران حرفه ای ثابت کرده است که هیچ نوع مجازاتی، هر قدر سنگین، قادر نیست در آنان رعب ایجاد کند و آنان را از ارتکاب اعمال ناهنجار و ضد اجتماعی باز دارد.

تشدید مجازات بجای از بین بردن جرم باعث تغییر شکل آن خواهد شد؛ زیرا با چنین سیاست کیفری نادرستی در حقیقت مبارزه علیه نوع جرم صورت می گیرد، نه علیه عوامل جرم زا. هنگامی که مجازات های خشونت آمیز اعمال شود، بدون تردید خشونت ها افزایش می یابد و جرایم سنگین تری واقع می شود.

گاهی تشدید مجازات به جرم ارتكابی ارزش می دهد و موجب می شود که سود فراوانی برای بزهکار فراهم گردد

آیا مجازات حبس به اندازه کافی بازدارنده است؟

ارزیابی اقتصادی مطلوبیت جرم

اشاره

امروزه سیاست جنایی در مفهوم عام خود به مجموع اصول و مقرراتی اطلاق می شود که با توجه به اطلاعات دانشمندان حقوق جزا و مطالعات و پژوهش های جرم شناسان، راه و روشی مدبرانه در راه مبارزه علیه جرایم ارائه می کند. برای پیشبرد اهداف این سیاست، دانش جرم شناسی و حقوق جزا باید مشترکا فعالیت کنند و نتیجه فعالیت خود را در اختیار قوای حاکم از جمله قوه مقننه قرار دهند. نویسندگان در این نوشتار درصددند به تناسب جرم و مجازات از زوایای گوناگون به ویژه ارزیابی اقتصادی مطلوبیت جرم بپردازند.

دکتر ایرج اسماعیلی

دبیر شورای تحقیقات زندان های استان تهران - پزشک (M.D-MPH) و کارشناس ارشد بهداشت و تحقیقات iesmaili@yahoo.com

علی اصغر راهرو خواجه

کارشناس شورای تحقیقات زندان های استان تهران a1961vr@yahoo.com

بطوری که بزهکار را وادارد تا از هیچ خطری رو نگرداند و از هیچ تهدیدی هراسی به خود راه ندهد.

تناسب جرم و مجازات

بنا به گفته دورکیم، شیوه مجازات متخلفان همزمان به تحولات جوامع به سمت توسعه یافتگی در تغییر و تبدیل است. نه تنها نگاهی به گذشته های بسیار دور، بلکه ملاحظه تحولاتی که اخیراً صورت گرفته بخوبی این موضوع را آشکار می سازد.^۱ تقابل جرم و کیفر ابتدا به شکل انتقام ظاهر گشت. فرد صدمه دیده به همراه نزدیکان به قصد تلافی، مرتکب اعمال متقابلی می شدند که بعضاً از اعمال ارتكابی اولیه بسیار شدیدتر و دردناک تر بود. روند تلافی و انتقام عموماً به همین مرحله ختم نمی شد. افراد صدمه دیده مجدداً قصد جبران زیان های وارده را داشتند، در نتیجه زنجیره تلافی و جبران برای مدت های مدیدی متناوباً تکرار می شد. سرانجام بشر به این نتیجه رسید که مقابله با پدیده های مجرمانه باید منطقی و سنجیده باشد. در نتیجه اصولی مانند شخصی بودن کیفرها، قانون قصاص و حق جبران خسارت وارده، برای قربانی به رسمیت شناخته شد و بعنوان پایه های اساسی کیفر، در جوامع انسانی به حساب آمد. برخی نهادهای این هم اکنون نیز در قوانین و مقررات پابرجا مانده اند.

با پیشرفت جوامع و پیچیده تر شدن روابط انسانی دولت ها شکل گرفتند و مسئولیت احقاق زیان دیدگان را عهده دار شدند. در این مورد سؤال اساسی این بود که چه کیفری می تواند نقش مجازات های بدنی را بخوبی ایفا کند و جانشین آن شود؟ در پاسخ به این پرسش ابتدا این تفکر شکل گرفت که مجرمان باید از جامعه آزاد به دور باشند تا توان محرومیت از آنان سلب شود.

به این ترتیب مجازات تبعید به مستعمرات و نواحی دور دست مورد توجه قرار گرفت، سپس نگهداری مجرمان در محیط های بسته در سرزمین های بومی (که تا پیش از آن صرفاً برای نگهداری موقت متهمانی بکار می رفت که در انتظار محاکمه و یا اجرای حکم بودند)، جلب توجه کرد. مجرمان به مجازات زندان محکوم می شدند تا در اماکن بسیار محدود، تاریک و نمناک که شدیداً تحت کنترل مأموران و مراقبان قرار داشتند، مدتی را سپری نمایند. هر چند این تحول نوعی حرکت به جلو محسوب می شد، اما با گذشت زمان عواقب و آثار منفی آن بیشتر معلوم شد.^۲ به هر جهت سیر تحول مجازات، در دوره های مختلف نظریه های مختلفی را تجربه نموده است، که این تحولات از نظریه انتقام تا ((نظریه فایده اجتماعی)) و ((نظریه مسئولیت اخلاقی)) و ((عدالت مطلقه)) و ((نظریه تلفیق آن)) و نیز ((نظریه مسئولیت اجتماعی)) و از بازگشت از الغای کیفری تا ((دفاع اجتماعی نوین))، گویای عدم وجود ملاک ثابت و لاینفیری برای تناسب جرم و مجازات است. پس برای رعایت تناسب بین جرم و مجازات، علاوه

بر صدمه وارده، علت و عوامل جرم را و شخصیت مجرم، شناخت میزان رشد اجتماعی اشخاص، شناسایی ارزشهای که واجد وصف همیشگی باشد، ضروری و لازم است.

لذا تناسب بین جرم و مجازات را می توان اینگونه تعریف کرد: ((ارتباطی است بین جرم و مجازات که باید براساس میزان و نوع صدمه و شخصیت مجرم و میزان رشد اجتماعی اشخاص و میزان تأثیری که برای برقراری تعادل روانی از دست رفته افراد اجتماع و ارباب جمعی و یازداندگی توده مردم، با لحاظ متغیرهای شدت و ضعف جرم بر مبنای ارزش های ثابتی برقرار شود.))^۳

وقتی که طبق عادت از جرم فقط بعنوان یک پدیده غیر منطقی و ضد اجتماعی یاد و واکنش اجتماعی نسبت به آن به منزله ترکیبی از خشم و ترحم در نظر گرفته میشود، بررسی جرم در قالب فعالیتی اقتصادی و نیز واکنش اجتماعی به منزله شکلی از سیاست اقتصادی ممکن است در ابتدای امر بصورت یک خرق عادت جلوه کند. اما طرفداران اصالت سود که به هر امری از دیده سودمندی می نگرند به هر حال جرم را نیز از منظر اقتصادی مورد توجه و بررسی قرار داده اند. تئورسین های بزرگ جنایی نیمه دوم سده هیجدهم "بکاریا" و "بنتام" به سودمندی جرایم معتقد بودند.^۴ اما نظر به فقدان داده های تجربی و عدم استفاده از روش های علمی برای بررسی چنین داده هایی، تجزیه و تحلیل آنها صرفاً نظری بوده است.

برای اولین بار مطالعات ادولین چادویک^۵ در باره اقتصاد جرم به ۱۸۲۹ بر می گردد. پس از آن بکر^۶ (۱۹۶۸)، استیگلر^۷ (۱۹۷۰)، ارلیک^۸ (۱۹۷۳)، رونالدز^۹ (۱۹۸۰) نیز مطالعه اولیه را کاملتر نمودند. این افراد با استفاده از علم اقتصاد، مجموعه ای از وسایل علمی و فنی را در اختیار اقتصاد دانان معاصر قرار دادند تا بتوانند تئوری های حقیقی اقتصاد جنایت را که مبتنی بر سودمندی فعالیت مجرمانه برای مجرم است، تهیه کنند. در این میان ابتکار توسل به توضیح اقتصادی جنایت از آن اقتصاددان آمریکایی بنام گری بکر^{۱۰} است و در پی آن آثار متعددی در این زمینه به چاپ رسیده و به گسترش نظریه مذکور کمک نموده است.

بکر^{۱۱} (۱۹۶۸) اولین بار در مقاله معروفی تحت عنوان "اقتصاد جرم و مجازات، یک رهیافت اقتصادی" به مقوله اقتصاد جرم پرداخت. هدف اصلی وی پاسخ گفتن به اینکه چقدر منبع و مجازات باید برای حداقل کردن زیان ها اجتماعی یا به عبارتی هزینه های جرم (منظور زیان ها و هزینه های دستگیری و محکومیت می باشد) بکار گرفته شود. مدل اصلی وی بر مبنای این فرض استوار است که: ".... یک فرد مرتکب جرم خواهد شد اگر مطلوبیت انتظاری وی از مطلوبیتی که می تواند با استفاده از وقت و سایر منابع در سایر فعالیت ها بدست آورد بیشتر باشد"^{۱۲}. متغیرهای تصمیم اجتماعی از نظر بکر هزینه های جرم برای پلیس و دادگاه ها و نیز اندازه و شکل مجازات میباشد که به تعیین احتمال اینکه اشخاص چه موقع مرتکب جرم

دولت بیشتر باید در کدام بخش این سیستم اجرای قانون سرمایه گذاری کند تا بهترین تأثیر را بر کاهش وقوع جرم داشته باشد.^{۱۳}

به این ترتیب ملاحظه می شود که اقتصاددانان جرم در تلاش برای پاسخگویی به این پرسش ها که همواره برای سیاست گذاران مطرح بوده است هستند:

- عواملی که منجر به جرم می شود کدامند؟

- جرم در مؤثرترین و کارآمدترین روش ها چگونه به

سیستم اجرای قانون واکنش نشان می دهد؟

- جمعیت زندانیان در سیستم زندان ها در سال های مختلف چگونه بوده است؟

اقتصاددانان مختلفی از جنبه های مختلف موارد فوق را بررسی کرده اند و به نتایج قابل توجهی نیز دست یافته اند. به گونه ای که بسیاری از آنها موضوع را از بعد عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر وقوع جرم مورد مطالعه قرار داده اند و بسیاری نیز در جهت یافتن جریمه های بهینه ای که همه ابعاد خصوصی و اجتماعی تحلیل های هزینه - فایده جرم را شامل شود مطالعاتی را انجام داده و به ارایه طریق پرداخته اند. اما در این ایران، در زمینه اقتصاد جرم، بطور مشخص فعالیتی صورت نگرفته است. با وجود این در برخی از زمینه هایی که ارتباط نزدیکی با اقتصاد جرم دارند مانند اقتصاد غیر رسمی و زیر زمینی و فساد اداری می توان به تحقیقات چندی اشاره کرد، که اغلب هم موضوع مورد نظر ما را بطور خاص تحت پوشش قرار نمی دهند. مع الوصف در بخشهایی از گزارش، به برخی از این منابع استناد شده است.

بکر (Becker) ادبیات اقتصادی جرم را با نشان دادن اینکه چگونه بازار برای جرم می تواند مثل هر بازار دیگری با استفاده از تئوری های اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد آغاز کرد. منابع با تمرکز بر عرصه تخلفات جرم صریح فرض می کند که نرخ جرم به احتمال و شدت مجازات برای جرم، سود انتظاری ناشی از فعالیت جنایی و درآمد فعالیت های قانونی منتخب و یا سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد. در واقع بکر و سایر اقتصاددانانی که اقتصاد جرم و سایر فعالیت های غیر قانونی را مطالعه کرده اند خاطر نشان نموده اند که مجرمین مطابق با اصول اقتصادی رفتار کرده به تحلیل هزینه های نهایی و سودهای نهایی چنین فعالیت هایی توجه می کنند. مجرمین بعنوان عوامل اقتصادی، احتمال دستگیری، محکومیت و مجازات شدن را بعنوان هزینه پروسه فعالیت های جنایی در نظر می گیرند. این اشخاص منطقی اغلب در می یابند که این احتمالات حداقل در بسیاری از کشورها خیلی کم است و در نتیجه جرم اتفاق می افتد. این مسئله که نرخ جرم به خطر ها و فایده های جرم حساس است فریضه "بازدارندگی" نامیده می شود که کاربردی از قانون تقاضا است.

فرضیه ادعا می کند که مردم به طور قابل توجهی به انگیزه های ایجاد شده توسط سیستم دادگستری جنایی پاسخ می دهند. بنابراین افزایش در منابعی که جامعه

می شوند کمک می کند. تغییر این عوامل اگر منجر به افزایش هزینه انتظاری ناشی از جرایم شود باعث کاهش شمار ضایعات خواهد شد. بکر (Becker) این ارتباط بین تعداد جرایم و میزان بازدارندگی را "عرضه جرم" می نامد. وی در این تئوری بازدارندگی، احتمال محکومیت و شدت مجازات را به عنوان متغیرهای برونزای تابع عرضه جرم در نظر می گیرد. در مقاله وی و سایر مقالاتی که در این زمینه منتشر شده اند تأثیر متغیرهای بازدارندگی بر جرم توضیح داده شده است. احتمال محکومیت بالا و نیز شدت مجازات منجر به کاهش در مطلوبیت انتظاری ناشی از جرم می شود و لذا جرایم کمتری اتفاق خواهد افتاد.

جرم به عواملی از قبیل عملکرد پلیس، پیگرد مجرمین، عملکرد دادگاه ها و سیستم زندان ها بستگی دارد. این ارگان ها به ترتیب مراحل کشف جرم، تعقیب مجرمین و نیز قضاوت های جنایی و زندانی کردن مجرمین را بر عهده دارند. محصول کار آنها ممکن است بر روی رفتار مجرمین بالقوه تأثیر بگذارد. مجرمین بالقوه تحت تأثیر احتمال دستگیری و احتمال مجازات شدن مجازات ها (یعنی مقدار جریمه های نقدی و طول مدت حکم های زندان) واقع شوند.

در اینجا یک مدل کلان سنجی برای سیستم اجرای قانون باید چنین تصور کرد که فعالیت در یک بخش سیستم اجرای قانون بر فعالیت بخش های دیگر نیز تأثیر می گذارد. اگر پلیس جرایم بیشتری را کشف کند و موارد کمتری مسکوت باقی بماند، دستگاه قضایی نیز به موارد جرم بیشتری رسیدگی خواهد کرد. همین طور اگر تعداد حکم های مجازات زندان افزایش یابد به فضاهای بیشتری تحت عنوان زندان نیاز خواهد بود. احتمال بالای دستگیری توسط پلیس و این حقیقت که مجرمین زیادی در زندان هستند (به این معنی که از زندگی آزادانه محرومند) احتمال وقوع جرم را کاهش خواهد داد. به این ترتیب ملاحظه می شود که اولین ارگان مؤثر، پلیس، می باشد. لذا نهایتاً به یک مدل پیوسته همزمان نیازمندیم، بطوری که مدل روابط زیر را شامل می شود:

۱- ارتباط تعداد وقوع جرایم با

- احتمال دستگیری

- احتمال مجازات شدن پس از دستگیری

- احتمال زندانی شدن اگر مجازات شود

- متوسط طول دوره زندان اگر حکم اجرا شود

- متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی

۲- شمار جرایم آشکار شده توسط پلیس که به شمار جرایم گزارش شده و ورود به داخل کادر پلیس مربوط میشود.

۳- تعداد مجرمینی که توسط دادگاه ها مورد قضاوت قرار می گیرند که هر یک با تعداد جرایم آشکار شده و نیز ورود به داخل کادر دادگاهها مربوط است.

۴- طول دوره حکم زندان

در این مدل هدف عمده بررسی این نکته است که

صرف دستگیری، محکومیت و جریمه مجرمین می کند منجر به کاهش مقدار و هزینه اجتماعی جرم می شود، چرا که این هدف مجازات به عقیده بکر جبران کردن هزینه های اجتماعی آن است که جامعه در قبال ارتکاب جرم متحمل شده. هدف اصلی وی در مقاله "جرم و مجازات: یک رهیافت اقتصادی" در سال ۱۹۶۸، پاسخ به این سؤال است که چقدر منبع و مجازات باید برای حداقل کردن زیانهای اجتماعی یا عبارتی هزینه های اجتماعی جرم بکار گرفته شود یعنی زیان ها و هزینه دستگیری و محکومیت چقدر است؟

کار تئوریک بکر توسط اریک (۱۹۷۳) گسترش یافت. در ادبیات^{۱۴} مدل اقتصادی جرم EMC ایجاد شده توسط این دو اقتصاددان یک مجرم بالقوه بعنوان کسی که قصد حداکثر کردن مطلوبیت انتظاری اش را دارد، زمانش را بین فعالیت های رقیب - قانونی و غیر قانونی - با نتایج نا مشخص تخصیص می دهد.

به یاد داشتن اینکه فرض می شود که مردم سلیقه یکسانی برای جرم ندارند و نسبت به این مسئله نگرشهای اخلاقی متفاوتی دارند، بسیار با اهمیت است؛ آستانه آسیب پذیری هر کس بطور مثبت بوسیله اخلاقیات وی یا بطور منفی بوسیله تمایل وی برای ارتکاب جرم مشخص میشود. بنابراین اشخاص به محرک ها پاسخ می دهند. برخلاف بیشترین مطالعات جرم شناسانه ای که سعی در توضیح رفتار مجرمین بر اساس مصائب اجتماعی و یا عوامل جرم (روانشناسانه و یا فیزیولوژیکی) دارند، روش اقتصادی، سلیقه های افراد را بعنوان فرض در نظر گرفته و بر نقش فرصت های قانونی و غیر قانونی رقیب در تصمیم گیریهای مجرم تأکید می کند.

تئوری بیان می کند که یک فرد منطقی چنانچه درآمد نهایی ناشی از جرم را فراتر از درآمد نهایی ناشی از مشاغل قانونی باشد، مبادرت به انجام بعضی فعالیت های غیرقانونی خواهد کرد. وقتی که ارزش انتظاری جریمه و نیز احتمال بازداشت افزایش می یابد مقدار زمانی که صرف فعالیت های غیر قانونی می شود صراحتاً کاهش می یابد. چون تغییر در ثروت اولیه و با شدت یافتن مجازات ها بر تصمیمات افراد تأثیر می گذارد لذا تصمیم گیری آنها بسته به طرز برخورد آنها با خطر دستگیری می باشد.

به رغم آشفتگی مبانی خرد نظریه، روش اقتصادی جرم راهنمایی مناسب برای تعداد زیادی از مطالعات به منظور توضیح تعداد جرایم (جمعی یا فردی) مشاهده شده، شرایط وجود عوامل از قبیل احتمال و شدت مجازات، فرصت های قانونی و غیر قانونی و رجحان هاست. نظایر تجربی این مفاهیم تئوریک که عمدتاً در کارهای عملی استفاده می شود، چنین هستند:

- اندازه گیری واقعی احتمال مجازات به منظور تخمین احتمال ذهنی کشف جرم، توسط گروهی از مجرمینی که محکوم شده اند.

- متوسط زمانی که در زندان بعنوان هزینه مجازات

صرف می شود.

- سطح مصرف و بعضی از شاخص های شرایط بازار کار برای سنجش فرصت های قانونی و غیر قانونی
- مشخصاتی از قبیل نژاد، سن، تحصیلات، موقعیت جغرافیایی و جنسیت به منظور کنترل حالت های جرم گرایانه^{۱۵}.

تجزیه و تحلیل اقتصادی جرم

تجزیه و تحلیل اقتصادی جرم در میحث کلی اقتصاد خرد قرار می گیرد، که فعالیت اقتصادی را قبل از هر چیز بعنوان فعالیت نقش آفرینان فردی تلقی می کند. از نظر اقتصادی، ارزش اموال مبتنی است بر فایده آنها بر حسب مقیاس های ترجیح. البته نه فقط با احتساب نیازی که برآورده می کند بلکه با در نظر گرفتن قیمت هایی که برای اشخاص دارند (در اینجا؛ فایده ها و هزینه های مربوط به جنایت در نظر مجرم).

لذا به این ترتیب می بینیم که مفاهیم قیمت، سود، مؤثر بودن و بالاترین درجه مطلوبیت مفاهیم بنیادی این تئوری را تشکیل می دهند که متضمن رهیافت اقتصادی به رفتار فردی و رهیافت اقتصادی به واکنش اجتماعی علیه جرم است^{۱۶}. با استفاده از تئوری های اقتصاد خرد می توان در مورد اینکه چه موقع و چرا افراد مرتکب عمل مجرمانه می شود پرداخت، به این ترتیب که یک فرد نوعی در جامعه می تواند یکی از دو حیطة بازار کار رسمی و بازار کار غیر رسمی (مجرمانه) را انتخاب کرده و در آن به فعالیت بپردازد. چنانچه می دانیم اگر وی وارد بازار کار رسمی شود در ازای کاری که انجام می دهد دستمزدی (W) دریافت می کند ولی اگر لاتاری مجرمانه را انتخاب کند این تصمیم وی با دو پیامد احتمالی همراه خواهد بود:

۱- دستگیری؛ ۲- عدم دستگیری.

احتمال دستگیری وی را با P نشان می دهیم (احتمال عدم دستگیری عبارت از (1-P) خواهد بود). در صورت دستگیری این فرد باید جریمه ای معادل M بپردازد ولی در صورت عدم دستگیری درآمدی از ارتکاب فعالیت مجرمانه عاید وی خواهد شد، که آن را با Y نشان میدهیم. حال می خواهیم بدانیم که این فرد چه موقع مرتکب جرم می شود. فرد مذکور با مقایسه درآمد ناشی از بازار کار رسمی (W) با درآمد ناشی از لاتاری مجرمانه، انتخاب میکند که در کدام بازار اقدام به فعالیت کند. اگر درآمد لاتاری مجرمانه را بصورت زیر در نظر بگیریم:

$$(pm) - Y(1-p) = \text{درآمد لاتاری}$$

در این صورت با استفاده از تحلیل هزینه - فایده، فرد فعالیتی را انتخاب می کند که برایش سودمندتر است لذا میتوان ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم را به ترتیب زیر مطرح کرد:

اگر:

درآمد لاتاری < W آنگاه فعل مجرمانه انجام گیرد.

درآمد لاتاری = W آنگاه فرد نسبت به ارتکاب یا عدم

ارتکاب جرم بی تفاوت است. درآمدهای لاتاری (W) آنگاه فعل مجرمانه را ترک میکنند. بهینه و کارایی ارگان‌های مرتبط با مجرم، نیز از مباحثی است که باید بطور کامل مورد بررسی واقع شوند.

تابع مطلوبیت

نظریه فایده اجتماعی^{۱۷}

چنانچه پیش از این نیز گفته شد مجازات‌ها در طی دوره‌های مختلف تحت تأثیر نظریه‌های متعددی تغییر یافته‌اند. یکی از مکاتبی که بیش از همه مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته و تأثیرات چشمگیری در تحولات کیفری قرن ۱۸ در اروپا داشته است، نظریه فایده اجتماعی است. تناسب در این نظریه هنگامی بین جرم و مجازات برقرار می‌شود که صدمه ناشی از مجازات، بیشتر از میزان منفعت ناشی از جرم برای مرتکب آن باشد. زیرا اگر مجرم دریابد که کیفر، نتیجه عملی خواهد بود که از آن لذت می‌برد، در آن صورت این اندیشه با نوعی قدرت وی را از ارتکاب آن عمل، باز می‌دارد. اگر ارزش کل کیفر به نظر وی بیشتر از ارزش کل لذت برسد، در آن صورت نیروی بازدارنده نیروی حاکم خواهد بود و جرم واقع نمی‌شود.

بر این مبنا طرفداران این نظریه، جزای نقدی را در جرایم علیه اموال (البته با لحاظ متغیرهایی)، مجازات تبعید را برای جرایم فجیع، کیفرهای بدنی از قبیل اعدام، غل و زنجیر، داغ ننگ و قطع دست را با رعایت کیفیات مخفیه و معاذیر معاف‌کننده برای جرایمی چون جرایم سیاسی، خیانت به کشور و مجازات رسوایی را برای جرایمی چون فحاشی و توهین، مصادره را خصوصاً برای جرایمی چون قاچاق و مجازات سالب آزادی را برای اکثر جرایم پیشنهاد نموده‌اند.

این نظریه از این جهت که از نظر ماهیت بین مجازات‌ها و جرایم رابطه منطقی برقرار می‌کند قابل دفاع است. نوآوری این نظریه، ترویج مجازات‌های سالب آزادی موقت و دائم بجای مجازات‌های سخت بدنی و طرح زندان‌های مخصوص است.

اما چون این کاربرد مجازات را برای جرایمی که جنبه مادی دارند تجویز می‌نماید ناقص است. طرفداران این نظریه بیشتر، به جنبه ارباب و سرکوبی مجازات توجه دارند در حالیکه مجازات نمی‌تواند همیشه و برای همه مجرمین واجد این وصف باشد. عدم توجه به اصلاح مجرم و زیربنای اخلاقی جرم و ثابت بودن مجازات‌ها از دیگر ایرادات این نظریه است. لذا به این ترتیب، برای تعدیل این مشکل نظریه دیگری تحت عنوان نظریه تلفیق فایده اجتماعی و مسئولیت اخلاقی شکل گرفت. طرفداران این نظریه اعلام می‌دارند که تناسب نوع و میزان مجازات بر اساس جنبه‌های دوگانه عدالت و سودمندی امکان پذیر است، اندازه مجازات‌ها تابع دو حد ((نه بیش از آنچه عدالت اقتضا می‌کند و نه بیش از آن اندازه که سودمند است)) باید باشد.

این اصول آثار مثبتی در پی دارد. باعث می‌شود که گستره مجازات‌های بدنی به موارد محدود تنزل یابد، به اصلاح مجرمین توجه شود، میزان مسئولیت تحت تأثیر تواناییهای جسمی، عقلی و اختیار و اراده مجرم قرار گیرد.

می‌دانیم که همه افراد دارای تابع مطلوبیت هستند و در واقع این شکل تابع مطلوبیت افراد است که خطرپذیری یا خطرگریزی افراد را مشخص می‌کند. مطلوبیت هر فرد تابعی از عوامل مختلف است و اینکه فرد خطرپذیر یا خطرگریز باشد به عوامل اجتماعی و فرهنگی و تربیتی و ... بستگی دارد. یعنی شدت خطرپذیری یا خطرگریزی افراد تحت تأثیر آموزه‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی آنان قرار دارد. نکته قابل توجه در اینجا این است که از دیدگاه جامعه‌شناسی جرم، وجود افراد خطرگریز بسیار مفید بوده و باعث کاهش ارتکاب جرم در جامعه خواهد شد. در توضیح این موضوع می‌توان چنین گفت که از آنجایی که ارتکاب جرم همراه با خطر احتمال دستگیری و در نتیجه پرداخت جریمه خواهد بود اگر افراد خطرگریز باشند به ندرت حاضر به انجام فعالیت‌های با خطر بالا خواهند شد و لذا بیشتر به دنبال انجام فعالیت‌هایی با خطر کمتری می‌روند، در نتیجه ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه در جامعه کاهش می‌یابد. اما در مورد افراد خطرپذیر قضیه کاملاً عکس خواهد بود و در واقع هم، مشکل اساسی اقتصاد جرم از همین جا آغاز می‌شود که افراد علاقمند به انجام فعالیت‌های با خطر بالا باشند.

حال اگر تابع مطلوبیت فرد را بطور ساده‌ای به ترتیب زیر در نظر بگیریم:

$$U = \alpha U(L) + \beta U(W)$$

لاتاری مجرمانه L:

دستمزد W:

در این صورت عامل تعیین‌کننده ارتکاب فعالیت مجرمانه برای فرد خطرپذیر W می‌باشد به نحوی که اگر دستمزد را در بازار کار رسمی افزایش دهیم در نتیجه مطلوبیت ناشی از دستمزد نسبت به مطلوبیت لاتاری افزایش می‌یابد که این بعنوان ابزاری برای کاهش لاتاری مورد استفاده قرار بگیرد.

همچنین می‌دانیم که در بازار کار دو حالت از نظر فردی قابل تصور است:

$$\leftarrow W = 0 \text{ بیکاری}$$

$$\leftarrow W > 0 \text{ اشتغال}$$

مطلوب بازار کار هم این است که بیکاری نداشته باشیم و دستمزد نیز در سطح بالایی تعیین شود، که اگر این شرایط مطلوب بازار کار مهیا شود احتمال اینکه درآمد ناشی از لاتاری مطلوبیت بیشتری داشته باشد کاهش می‌یابد چون افراد با افزایش W انگیزه ورود به بازار کار رسمی را پیدا می‌کنند و در نتیجه وقوع جرم کاهش می‌یابد. البته در اینجا تنها بیکاری و دستمزد پایین بعنوان عوامل مؤثر بر وقوع جرم مورد بررسی واقع شدند، در صورتی که بحث به همین جا ختم نمی‌شود و موارد دیگری از جمله جریمه

به عبارت دیگر مجازات براساس اصل فردی کردن تعیین گردد یعنی نسبی بودن مسئولیت (مسئولیت کامل - نیمه مسئول - فاقد مسئولیت) مورد عنایت قرار گیرد. تحول این امر باعث می گردد در عمل اکثر مجرمین بی مجازات بمانند و یا اثر اصلاح و ارعاب مجازات زایل گردد. بر این اساس امکان دستیابی به مجازات های بازدارنده و بدون اجرای حبس در زندان فراهم می شود.

بیشتر روش تابع مطلوبیت و در نتیجه هزینه - فایده برای بررسی اینکه چه موقع و چرا جرم اتفاق می افتد مطرح شد. روش دیگری برای پاسخ به سؤال فوق نیز وجود دارد یعنی عوامل اقتصادی و اجتماعی نیز بر ارتکاب جرم مؤثر است.

اگر رابطه ساختار اقتصادی با جرم را بپذیریم می توان گفت که افراد در شرایط مشابه تصمیم های یکسان اتخاذ می کنند.^{۱۹} به عبارت دیگر رفتار افراد تا حدود زیادی با بررسی شرایط محیطی و اجتماعی قابل پیش بینی است و رفتارهای نابهنجار و غیر عادی در بحث های جرم شناسی را باید بعنوان یک عنصر اجتماعی تلقی کردند عنصری زیست شناسی.

به این ترتیب عوامل اجتماعی و اقتصادی می توانند بعنوان عوامل اساسی ای در بروز حمایت مجرمانه در جامعه در نظر گرفته شوند. عواملی مثل فقر، درآمد و نحوه توزیع آن و در نتیجه نابرابری درآمدی، بیکاری، صنعتی شدن و شهر نشینی و نیز جمعیت و سن و تحصیلات و عوامل فرهنگی و جغرافیایی و ... را می توان از جمله عوامل مؤثر بر وقوع جرم دانست. بسیاری از اقتصاددانان با استفاده از چنین روشی به بررسی علل وقوع جرم پرداخته اند و به نتایج قابل توجهی نیز دست یافته اند. این دانشمندان با استفاده از روش هایی چون سری های زمانی، سری های مقطعی و داده های پانل تئوری نتلر را به واقعیت نزدیک

کردند. همچنین افراد دیگری هم با اضافه کردن بحث شدت و میزان مجازات ها به عوامل مؤثر بر وقوع جرم، به تخمین میزان وقوع جرم در جامعه پرداختند که این خود، بحث اقتصادی بودن تصمیم مجرمین را کاملتر کرده است.

پی نوشتها

1- Brian R. Payeny & Randy R. Gainey, Is good time appropriate for offenders on electronic Control of criminal justice, Vol. ۲۸, ۲۰۰۰, P. ۴۹۷

۲- ابوالفتح خالقی، مبانی نظری و جایگاه عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و صدمات عمومی بعنوان جایگزین کیفر سالب آزادی در حقوق کیفری ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، ص ۲.

۳- زراعتی محمد حسن، تناسب جرایم و مجازاتها، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲، صص ۱۳-۱۱.

۴- درباره این محققان مراجعه شود به "استفانی، لوسور و بولوک":

"حقوق جزای عمومی" - چاپ دوازدهم، ۱۹۸۴، ص ۶۹ و ۷۱.

Edwin Chadwick - ۵

Becker - ۶

Stigler - ۷

Ehrlich - ۸

Ronalds - ۹

Gary. S. Becker - ۱۰

Becker - ۱۱

۱۲- Becker. S.G. جرم و مجازات، ۱۹۶۸، ص ۱۷۶.

۱۳- F.V.Tulder, A.V.D.Torre, "Modeling crime and the law enforcement system", International Review of Economic Model of Crime, ۱۹۷۱, ۱۹: ۴۷۱.

۱۴- Economic Model of Crime

۱۵- R.Marsli, M.Vannini - Estimating a crime equation in the presence of organized crime. Evidence from Italy - International Review of Law and Economics.

۱۱۲-Vol. ۱۷, ۱۹۹۷, P.۸۹

۱۶- گسن - ریموند، کتاب مقدمه ای بر جرم شناسی، ۱۹۸۸، ص ۱۸۴.

۱۷- زراعتی محمد حسن، تناسب جرایم و مجازاتها، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲، صص ۱۳-۱۱.

۱۸- (Nettfer ۱۹۸۴)

